

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۶ جون ۲۰۱۸

عليه توهم پراکني!

با فرا رسیدن موعد جلسات سالانه سازمان جهانی کار (ILO) که هر ساله در خرداد ماه [جوزا] برگزار می شود و حضور نمایندگان جمهوری اسلامی در این نهاد آنها تحت عنوان "نمایندگان کارگران ایران"، بار دیگر ابعاد همکاری و همیاری این سازمان جهانی با رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی در مقابل چشم همگان قرار گرفت. در همین رابطه در روز ۸ خرداد سال جاری (۲۹ ماه مه ۲۰۱۸)، به دعوت "کلکتیو" (مرکب از تعدادی از تشکل های صنفی کارگران فرانسه)، تظاهراتی با خواست اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی از سازمان بین المللی کار در ژنیو برگزار شد که تعدادی از ایرانیان نیز در آن شرکت نمودند. بیشک هدف از این تظاهرات آن بود که سازمان جهانی کار تحت فشار قرار گرفته و به جای نمایندگان جمهوری اسلامی، نمایندگان واقعی کارگران ایران را پذیرا گردد. اما با توجه به ماهیت این نهادها، آیا چنین خواستی، در چهارچوب سیستم کنونی قابل تحقق می باشد؟ و از طرف دیگر با واقعیت آنچه امروز در ایران بر کارگران ما می گذرد در انطباق می باشد؟ برای این منظور ابتداء باید دید خود سازمان جهانی کار چه نوع سازمانی است و از چه ماهیتی برخوردار است.

سازمان جهانی کار یکی از مؤسسات تخصصی ملل متحد می باشد که به امور مربوط به کار و کارگران می پردازد. شکی نیست که این سازمان دارای ماهیت بورژوازی است و هدفش در نهایت تأمین منافع نهادهای تأمین کننده بودجه خویش و کند کردن مبارزه طبقاتی طبقه کارگر علیه سرمایه داران می باشد، ولی در عین حال این نهاد، سازمانی مربوط به دولتهاست و نه کارگران و در این راستا نمایندگان دولت، کارفرمایان و کارگران را تحت عنوان سه جانبه گرائی، به همکاری با یک دیگر فرا می خواند. سازمان جهانی کار همواره پذیرای فرستادگان جمهوری اسلامی با نام قلابی نمایندگان کارگران بوده است، به طوری که به رغم کارنامه سیاه جمهوری اسلامی در برخورد با کارگران، که در صفحه صفحه آن، حتی ادعا ها و مقاوله نامه های خود سازمان جهانی کار، به طور روزمره نقض شده ، این سازمان به جولانگاه مأموران جمهوری اسلامی بدل گردیده است. در سال گذشته نیز رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی برای سومین دوره متوالی به عنوان عضو اصلی هیأت مدیره سازمان جهانی کار برگزیده شد.

نمی توان تردید داشت که مسئولین سازمان جهانی کار نسبت به سیاستهای ضد کارگری جمهوری اسلامی کاملاً آگاه بوده و می دانند که این رژیم با اعمال دیکتاتوری عنان گسیخته در چهل سال گذشته، هر گونه مطالبات بحق کارگران و تلاش آنها جهت ایجاد تشکل های مستقل کارگری را وحشیانه سرکوب کرده است. با اینحال دست اندرکاران سازمان

مذکور از آنجا که منافعیان ایجاب می کند، نه این سیاستها را به روی خود می آورند و نه به جمهوری اسلامی جهت تغییر سیاست های رسوای خود علیه کارگران، کمترین فشاری وارد می کنند. به عکس به دلخواه جمهوری اسلامی در جهت قالب کردن مهره های سرکوبگر این رژیم که عنوان نماینده کارگران ایران را با خود حمل می کنند، گام بر می دارند.

یکی از موارد آشکاری که سازمان جهانی کار علی رغم آگاهی و اطلاعش چشم بر آن می بندد به رسمیت شناختن خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار در رژیم جمهوری اسلامی به عنوان تشکل های صنفی کارگران ایران می باشد. در حالی که قابل انکار نیست که خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار که رسماً در جمهوری اسلامی اجازه فعالیت دارند، نه تشکل های مستقل کارگری بلکه نهاد های ایدئولوژیک اسلامی می باشند و اتفاقاً همین واقعیت به روشنی در اساسنامه آنها قید شده است. و حتی نقش نهادهای جاسوسی و سرکوب کارگران در محیط کار را هم ایفاء کرده و می کنند. واقعیت این است که کارگران با باور به ادیان مختلف و یا عدم اعتقاد به هر دین و مذهبی در محیط های کار در کنار هم کار کرده و منافع و سرنوشت مشترکی پیدا می کنند، به همین دلیل هم نهاد صنفی کارگران که قرار است خواستها و مطالبات آنها را در محیط کار نمایندگی کند نمی تواند نهادی ایدئولوژیک باشد. در حالی که نهادهای به اصطلاح کارگری رژیم ساخته، اسلامی می باشند و در اساسنامه آنها "التزام عملی به اسلام" و "ولی فقیه" قید شده است. آیا سازمان جهانی کار نمی داند که چنین تشکل هایی را نمی توان نهادهای صنفی کارگران تلقی کرد؟ بگذریم از این که این تشکل ها همیشه در مبارزه کارگران علیه سلطه خفقان آور جمهوری اسلامی در محیط های کار و جدال برای بهبود شرایط کار کارگران، به نفع حکومت سرمایه داران کار کرده و اساساً از جمله ارگان های سرکوب کارگران در محیط کار می باشند.

سازمان جهانی کار از چنان ماهیتی برخوردار است که علی رغم وقوف بر ماهیت و عملکرد چنین نهادهایی، باز پذیرای نمایندگان آن به نفع جمهوری اسلامی می باشد. بیهوده نیست که علی رضا محجوب که در چهل سال گذشته لحظه ای از مبارزه علیه کارگران باز نایستاده، کسی که نماینده جمهوری اسلامی در مجلس شورای اسلامی می باشد از طرف این سازمان به عنوان فعال کارگری مدافع منافع کارگران قلمداد شده و به معاونت فدراسیون اتحادیه های کارگری جهانی (WFTU) برگزیده می شود.

چنین اقداماتی به روشنی نشان می دهند که بحث بر سر عدم اطلاع مسئولین سازمان جهانی کار از آنچه در زیر سلطه جمهوری اسلامی بر کارگران محروم ایران می گذرد نیست؛ بلکه بحث بر سر حمایت از رژیمی ضد کارگری است که اتفاقاً با جان و دل در طی نزدیک به چهار دهه گذشته در راستای تأمین منافع سرمایه داران جهانی و بومی گام برداشته است. بنابراین، رسمیت دادن به شوراهای اسلامی به جای نهادهای صنفی از طرف سازمان جهانی کار و چشم بستن بر همه سیاستهای سرکوبگرانه این رژیم علیه کارگران که ظاهراً مغایر با ادعاها و مقوله نامه های این سازمان می باشد و در عمل پر و بال دادن به جمهوری اسلامی، همه بیانگر آن است که جمهوری اسلامی با سازمان جهانی کار (ILO) در پشت پرده به بده بستان های بزرگی دست زده است.

آیا سازمان جهانی کار چه بر مبنای ماهیت خود و چه آنچه در عمل از خود نشان داده، قادر است پذیرای نمایندگان واقعی طبقه کارگر در اجلاس های خود گردد؟ چقدر فشار لازم است تا این سازمان ماهیتاً بورژوائی در عمل به نفع کارگران ستمدیده ما برخورد کند و به جای نمایندگان جمهوری اسلامی، نمایندگان واقعی کارگران ایران را بپذیرد؟ واضح است که این سازمان هرگز قادر به پذیرش نمایندگان واقعی کارگران رنجدیده ما نخواهد بود و مدافعان و متحدان کارگران ایران را باید در میان کارگران جهان و تشکل های واقعی کارگری جست و جو نمود. از سوی دیگر، واقعیت

این است که در شرایط پراکندگی کامل صفوف کارگران در ایران و در شرایطی که جمهوری دار و شکنجه از هیچ جنایتی جهت جلوگیری از سازمان یابی کارگران دریغ نمی ورزد، هیچ تشکل کارگری چه تحت نام سندیکا یا اتحادیه و غیره امکان شکل گیری و مهمتر ادامه کاری در چارچوب این رژیم را ندارد. کما این که دیدیم علی رغم همه تلاشهایی که کارگران مبارز ما مثلاً در شرکت واحد و یا هفت تپه به خرج دادند، رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی مانع از ایجاد چنان سندیکاهائی شد و از همان ابتداء صرفاً نامی از آنها روی کاغذ باقی مانده است.

کارگران تحت ستم و در عین حال مبارز ما قبل از هر چیز باید به نیروی خود و قدرت اتحاد شان اتکاء کنند و متحدان واقعی خود را نیز در میان طبقه کارگر سایر کشور ها پیدا کنند و بدانند که شرط شکل گیری تشکل های مستقل کارگری مبارزه جهت شکاف انداختن در سد این دیکتاتوری لجام گسیخته و نابودی آن می باشد. تنها در چنین شرایطی است که فعالان کارگری ایران می توانند به عنوان نمایندگان واقعی سندیکا ها و تشکل های واقعاً موجود که در عمل کارگران را در محیط کار نمایندگی می کنند، در عرصه داخلی و خارجی صدای واقعی طبقه خود باشند.